

ضرورت افزایش استقلال بانک مرکزی در اقتصاد ایران از منظر اسلامی با تاکید بر کنترل تورم

امیرحسین مزینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۸

چکیده

در اقتصادهایی همچون ایران که از تورم ساختاری و مزمن رنج می‌برند سیاستهای پولی نقش سیار کلیدی در شکل‌گیری تورم دارند. هرچند که پدیده‌هایی چون فشار تقاضا، رفتارهای سفته بازانه، نوسانهای فصلی و ... نیز در این رابطه موثر هستند. بدیهی ترین پیامد تورم کاهش قدرت خرد پول به عنوان بخشی از دارائی شهروندان است. این پدیده در مضماین اسلامی مصدقی از "نقص در مال غیر" است که بصورت مکرر در آیات شریفه قرآن و روایات اهل بیت (ع) مورد تأکید قرار گرفته و افراد و حکومت اسلامی از آن پرهیز داده شده‌اند. بنابراین بنظر می‌رسد می‌توان حکومت اسلامی را از مجرای اعمال سیاستهای ناکارای پولی (در کنار سایر عوامل بروز تورم) مسئول (ضامن) بخشی از نقص در مال بوجود آمده برای شهروندان دانست. این بدان معناست که جبران آن بخش از نقص در مال شهروندان که ناشی از تورم است، از منظر اخلاق اقتصادی اسلام، می‌تواند از تعهدات دولت اسلامی بحساب آید که می‌بایست وی خود را نسبت به آن ملتزم دانسته و پیوسته آن را کاهش دهد. ضمن اینکه در راستای کتمی نمودن مقدار این ضمان می‌توان از شاخص "تورم هسته" بهره جست. بنظر می‌رسد در راستای حداقل نمودن این موضوع افزایش استقلال بانکهای مرکزی از دولتها (از جمله در ایران) می‌تواند یک راهکار اساسی، حتی از منظر اسلامی، به حساب آید.

واژگان کلیدی: تورم، سیاست پولی، بانک مرکزی، اسلام، اقتصاد ایران

طبقه بندی JEL : E40, E50, N30

۱- مقدمه

سیاست‌های پولی از جمله مهمترین سیاست‌های کلان اقتصادی هستند که در زمرة وظایف اصلی بانک‌های مرکزی بشمار می‌روند. بنا به تعریف سیاست‌های پولی مجموعه اقداماتی هستند که بانک‌های مرکزی (سیاستگذاران پولی) به منظور کنترل فعالیت‌های اقتصادی جامعه به کار می‌برند؛ اگر چه اهداف مقطعي و کوتاه مدت سیاست‌های پولی کنترل نقدینگي و کارايی هرچه بيشتر نظام بانکي است. سیاست‌های پولی با اثرگذاري بر عرضه پول و نرخ بهره (نرخ سود) بسياري از اهداف اقتصادي مانند اشتغال، ثبات قيمتها و رشد اقتصادي را متاثر می‌سازند. مقامات پولی با استفاده از اين ابزارها بر چگونگي مصرف پول در اقتصاد تأثير گذاشته و حجم پول را در اقتصاد تغيير می‌دهند (قلی بگلو، ۱۳۹۰).

متولي اعمال و مديرiyت سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی هستند که از بدو تاسيس تا کنون اين وظيفه را بر عهده داشته‌اند. از نظر تاريخي تشکيل اولين بانک‌های مرکزی در دنيا به قرن ۱۷ ميلادي برمي‌گردد. در سال ۱۶۹۴ بانک مرکزی انگلليس به عنوان يك شركت سهامي تاسيس شد که وظيفه عمده اين بانک قرض دادن به دولت و خريد بدھي هاي دولتي بود. قبل از آن بانک‌های عمومي ديگري نيز نظير بانک سوئيس (۱۶۶۸) و بانک آمستردام (۱۶۰۹) وظایف مشابه داشتند. اما بانک مرکزی انگلليس، مهم‌ترین و منسجم‌ترین آنها و به عنوان نقطه آغاز بانکداري مدرن شناخته می‌شود. پس از آن به تدریج بانک‌های مرکزی در ديگر کشورها نيز تاسيس شدند و علاوه بر تامين بدھي دولت، مديرiyت نقدینگي و تسهيل روابط بين بانک‌های تجاری و ارائه خدمات مالي و اعتباري نيز به فعالیت‌های بانک‌های مرکزی اضافه شد.

با ايجاد نظام استاندارد طلا و تثبيت رژيم نرخ ثابت ارز بين کشورهای صنعتي، نقش بانک‌های مرکزی به عنوان متولي حفظ ارزش پول و ثبات قيمتها بيش از گذشته اهميت یافت. در اين دوره بانک‌های مرکزی با تعهد تبديل پول به طلا و اتكا به ذخایر طلای خود، هدف اصلی خود را ثبات قيمت طلا قرار داده بودند. از آن دوره به بعد با توجه به تحولات موجود در اقتصاد جهاني محدوده وظایف بانک‌های مرکزی مورد باز تعریف قرار مي‌گرفت و عملا سیاست‌های پولی و بانک‌های مرکزی بعنوان جزء غير قابل اغماض در فرایند رونق و رکود اقتصادي کشورها مورد تاكيد قرار گرفتند. از جمله موضوعاتی که در اين سير تحول در محافل علمي و اجرائي پيوسنه مورد تاكيد قرار گرفته محدوده تعامل بانک‌های مرکزی با نهادهای تصميم گير اقتصادي در ساختار حاكميي کشورها می‌باشد. به عبارت ديگر اينکه بانک‌های مرکزی در راستاي وظایف ذاتي خود و نيز پا سخگويي به انتظارات موجود تا چه حد می‌توانند به صورت مستقل (از ملاحظات دولتها) عمل نمایند؟ و يا اينکه

تا چه حد با سیاستگذاران اقتصادی تعامل داشته باشند؟ که اصطلاحاً از این پدیده به "استقلال نسبی بانکهای مرکزی" یاد می‌شود. اهمیت این موضوع بیشتر زمانی مشخص می‌شود که مهمترین وظیفه بانک مرکزی را مدیریت موثر سیاستهای پولی بدانیم.

بدیهی است چنانچه سیاست پولی را، استفاده از ابزارهای پولی جهت نیل به اهداف اقتصادی از طریق تحت تاثیر قراردادن جریان مخارج اقتصاد تعریف نماییم. آنگاه مقامات پولی قادر خواهند بود تا کلیه متغیرهای اقتصادی از قبیل تولید، اشتغال، تورم، رشد اقتصادی، مخارج دولت و... را از طریق تغییر در عرضه پول، و یا تغییر در انتظارات عامه درباره نرخ بهره، یا هردو، تحت تاثیر قرار دهند (مجتهد، ۱۳۹۱). اینجاست که جایگاه بانک مرکزی در مدیریت اقتصاد ملی هر چه بیشتر مشخص می‌گردد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر مشخص می‌گردد که معلوم شود عملکرد ناکارای بانک مرکزی (ویژه از محل عدم استقلال این بانک و متعاقباً فشارهای واردہ از طرف دولتهای متبع) باعث ایجاد خسارت‌های مختلف و از جمله کاهش ارزش مالی داراییها و یا درآمدهای پولی شهروندان می‌شود. بگونه‌ای که از نظر ملاحظات اسلامی تحت شرایطی بانکهای مرکزی و به طریق اولی دولتها مسئول (ضامن) بروز این خسارت شناخته شوند که طبیعتاً جبران آنها نیز (عنوان مديون) بر عهده خود ایشان خواهد بود. از مصاديق این موضوع می‌توان به پدیده تورم و خسارات مالی آن از محل کاهش قدرت خرید داراییهای پولی مردم اشاره نمود که تا حد زیادی ریشه در ناکارایی سیاستهای پولی اعمال شده توسط دولتها و حاکمیت دارد که در اقتصاد ایران نیز طی سالهای اخیر مشهود می‌باشد. میزان و دامنه وسیع خسارت واردہ به مردم ناشی از تورم اقتضاء می‌نماید که این زیانها حتی الامکان جبران شده و مهمتر آنکه به حداقل ممکن کاهش یابد. بنظر می‌رسد یکی از راههای تحقق این مهم ساماندهی به سیاستهای پولی از محل افزایش استقلال بانکهای مرکزی می‌باشد که از منظر ملاحظات اسلامی نیز می‌تواند یک ضرورت (حداقل از منظر اخلاقی) به حساب آید. بررسی این موضوع با تاکید بر اقتصاد ایران موضوع مقاله حاضر می‌باشد.

۲- مفهوم پول و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی

کلمه پول، ریشه‌ای یونانی دارد که از واژه لاتینی پکوس به معنای گله، گرفته شده است اما در گذر زمان، بر تمامی ابزارهای عمومی سنجش کالاهای، با ارزش‌های چندگانه و نوعهای چندگونه، مانند: فلزی، کاغذی و غیره، (پول) نام گذارده شده است. برای اقتصاددانان معنای واژه پول متفاوت از درآمد و ثروت است. پول آن چیزی است که عموماً برای پرداخت در ازای کالاهای خدمات یا در بازپرداخت دیون مقبول عame واقع می‌شود. (قضاوی، ۱۳۸۸)

آنچه که بحث پول را در اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف متمایز می‌کند بحث چیستی

ماهیت پول است. در نظام سرمایه داری نظریه پردازان فراوانی عنوان داشته اند که پول کالاست و تعداد فراوانی نیز آن را دارایی یا سرمایه میدانند. به طوری که برخی بر این باورند که اگر پول فقط و سیله مبادله باشد، نباید و نمیتواند به آن بهره تعلق بگیرد (تونچیان، ۱۳۷۹). برخی از فقهاء پول اعتباری را مال و حامل ارزش تلقی می کنند اما عنوان کالا به آن اطلاق نمی نمایند. ایشان اعتقاد دارند که پول ارزش مبادله ای محض اشیاء و قدرت خرد کل است؛ از اینرو یک مال اعتباری است؛ در حالی که سرمایه مال حقیقی است که در پدید ساختن کالاهای خدمات نقش مستقیم دارد.

بنابراین پول و سرمایه در ماهیت متفاوت هستند (نظری و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۵).

برای پول چهار تعریف ارائه شده است:

۱. پول چیزی است که بیانگر مالیت مال و ویژگیهای شخصی آن از نظر عرف لغو شده باشد.
۲. پول عین مالیت مال و مجرد از هرگونه جنبه های خصوصی و شخصی اموال است.
۳. پول چیزی است که بیانگر و حافظ ارزش مبادلهای خالص باشد.
۴. پول چیزی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله ای آن است. (دادوی و صمامی، ۱۳۸۷).

در کنار موارد فوق برخی پول را یک کالای عمومی معنا می کنند (تونچیان، ۱۳۷۹) و برخی دیگر پول را کالای مشترک می دانند (عیوضلو، ۱۳۸۷). ضمن اینکه اکثر فتوهای فقیهان درباره احکام پول مربوط به درهم و دینار است. تغییرهایی که چهارده قرن تاکنون در ماهیت و پشتونه پول اتفاق افتاده، باعث شده است که بتوانیم ادعای کنیم بسیاری از احکام مربوط به درهم و دینار بر پول های فعلی نمیتواند جاری باشد (همان).

همانطور که مشاهده می شود در ارتباط با ماهیت پول تنوع دیدگاه وجود دارد. از دیدگاههای مطرح شده توسط صاحبنظران اقتصادی پیرامون پول اینگونه برمی آید که کالا بودن پول را پذیرفته اند ولی در ارتباط با اینکه پول ماهیتا چه نوع کالایی می باشد، هنوز بحث وجود دارد.

۳- کاهش ارزش پول از منظر ملاحظات اسلامی

خداآوند در آیاتی از قرآن کریم به وفای وزن و کیل امر کرده و از نقصان در آنها نهی کرده است و در برخی از روایات نیز معصومان علیهم الصلوٰة والسلام مردم را از معامله با دراهم مغشوشهای بزرگ داشتند. بصورت نمونه می توان به برخی موارد به شرح زیر اشاره نمود:

- ۱- أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ» (شعراء-۲-۱۸۱)
- ۲- فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تُبْخَسِّنُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُنْقَسِّدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (اعراف، ۸۵).
- ۳- وَلَئِنْ لِلْمُطَفَّقِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَكْتَلُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفِفُونَ، وَإِذَا كَأْلُوهُمْ أَوْ وَزَّوْهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلَا

يَظْلُمُ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (مطففين، ۳-۱).

۴- وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أُشْيَاءَهُمْ (شعراء ۱۸۳)

۵- قال رسول الله: من غش مسلماً في شراء أو بيع فليس متنا.

در ارتباط با آیات و روایاتی از این دست نکته‌ای که مطرح شده آن است که این مضامین الزاماً مربوط به منا سبات شخصی افراد نمی‌شود بلکه در سطح اجتماع و دولت نیز مصدق می‌یابند. ضمن اینکه صرفاً محدود به کیل و وزن نبوده و می‌توانند همه مقیاس‌ها و معیارهای متضمن ارزش را در بر گیرند که مصدق بارز آن خود پول از جنبه کالایی آن می‌باشد و نه صرفاً وسیله مبادله. در اقتصاد متعارف برای پول دو کارکرد اساسی متصور است. یکی جنبه معاملاتی آن است که جنبه سنجش نیز در آن مستتر است. جنبه دیگر مالیت آن است. بدین صورت بود که مردم این اعتبار را پذیرفتند که هرگاه اسکناس به شخص بستانکار داده شود، برائت ذمه حاصل می‌شود و در صورتی که تلف یا گم شود، دارنده اسکناس هیچ گونه حقی برای اقامه دعوا نخواهد داشت. در این حالت عملاً با پذیرش این اعتبار، پول تبدیل به مال مستقل شده است. حال در این نظام، چنانچه حاکمیت (دولت یا بانک مرکزی) خارج از چارچوبهای متعارف اقدام به انتشار پول نماید. بگونه‌ای که مابه ازای آن در تولید ملی افزایشی حاصل نشده و منجر به تورم و کاهش قدرت خرید پول در دست مردم شود مصدق عنوان فقهی «نقض در مال» خواهد بود و مشمول نهی آیات ذکر شده قرار می‌گیرد (تو سلی، ۱۳۸۳). بنظر می‌رسد در این حالت دولت ضامن بوده و می‌بایست خسارت وارد را جبران نماید.

ملاحظه می‌شود که می‌توان مقوله کاهش ارزش پول (ملی) را از ابعاد اسلامی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار داد. بویژه از بعد ضمانت آور بودن آن برای حکومت اسلامی. بدین معنا که در برخی شرایط حاکم اسلامی نمی‌تواند خود را نسبت به کاهش ارزش پول بی‌تفاوت نشان داده و آن را امری طبیعی قلمدار نماید و صرفاً خود را به سایر ابعاد اسلامی اقتصاد همچون خمس و زکات احکام معاملات و... محدود نماید و یا اینکه تعهدات افراد و بنگاهها نسبت به حاکمیت را دنبال نماید.

این موضوع در اقتصاد ایران بسیار مصدق می‌یابد چرا که نیم نگاهی به عملکرد اقتصاد ایران طی سه دهه اخیر حکایت از وجود نوعی تورم ساختاری و مزمن دارد که با شدت و ضعفی متفاوت طی این مدت قدرت خرید (ارزش) پول ملی (عنوان بخشی از دارایی شهروندان) را کاهش داده است. بدون شک بخش قابل توجهی از علل تورم در اقتصاد ایران ریشه در سیاستهای پولی داشته که پیوسته در قالب افزایش حجم پول پر قدرت (و نقدینگی) نمود یافته است. عبارت دیگر در اعمال سیاستهای پول طی دهه‌های اخیر بدلایلی چون تأمین نیازهای بودجه ای دولت، ضعف نظام بانکی در خلق اعتبار و مواردی از این دست مقامات پولی تلاش کرده اند سیاستهای (عمدتاً

انبساطی) پولی خود را از مجرای پول پر قدرت دنبال نمایند تا خلق نقدینگی در نظام اعتباری کشور.

بعارت دیگر مشاهده می شود که طی این مدت سهم پول پر قدرت در خلق نقدینگی بسیار پر رنگ و محوری بوده است و این در حالی است که مدیریت پول پر قدرت در ایران صرفا در اختیار حاکمیت می باشد. در علت یابی این پدیده اکثر مطالعات بخش قابل توجهی از علت را در عدم استقلال بانک مرکزی (عنوان مقام پولی) از سیاستگذاران اقتصادی و بودجه ای کشور دانسته اند. بدین معنا که چنانچه طی این مدت اقتصاد ایران از یک بانک مرکزی نسبتاً (و نه کاملاً) مستقل برخوردار بود و این بانک به وظایف ذاتی خود در مقابل دولت عمل می نمود چه بسا اقتصادکشور تورم به مراتب پایین تری را تجربه می نمود. هرچند که دولت در زمینه تامین نیازهای بودجه ای خود نیز ناچار به یافتن گزینه های دیگری می شد. لذا چنانچه دولت را در بخشی از کاهش ارزش پول ملی که منجر به ایجاد خسارت در اموال شهروند می شود، مسئول (ضامن) بدانیم می توان انتظار داشت استقلال بانک مرکزی بتواند بصورت معنی داری این شرایط را بهبود بخشد. در ادامه به این مهم پرداخته می شود.

۴- تامیلی در باب استقلال بانک مرکزی

بحث استقلال بانک مرکزی از ده ۱۹۷۰ و پس از فروپاشی نظام برتون وودز^۱ و سیستم پایه طلا از اهمیت بسزایی برخوردار شد و طی سال های اخیر بر اهمیت آن افزوده گردیده است؛ هم اکنون این بحث به طور جدی بین سیاستگذاران و همچنین اقتصاددانان مطرح می باشد. در این رابطه نظرات موافق و مخالفی نیز وجود دارد. امروزه تورم (افزایش مستمر سطح عمومی قیمت ها و کاهش قدرت خرید پول) در اکثر کشورهای جهان وجود دارد. بیشتر کشورها هم اکنون با استفاده از قواعد و سیاست های ضدتورمی توانسته اند به نرخ تک رقمی دست یابند، ولی بعضی از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه مثل ایران با وجود تمام تلاش های خود در زمینه کاهش تورم نتوانستند به این امر مhem دست یابند. در ایران علی رغم تأکید بر کاهش تورم در برنامه های توسعه اقتصادی و سیاست هایی که برای کاهش تورم بعد از انقلاب در طول سه دهه اجرا شده است، هنوز تورم دو رقمی وجود دارد که گویای این امر است که تورم در ایران از مشکلات اساسی اقتصادی می باشد و تا اندازه ای جنبه ساختاری دارد.

با توجه به مطالعاتی که بر اساس مکاتب پولی انجام شده است، علت اصلی تورم افزایش بیش از اندازه حجم پول می باشد و اگر تغییرات حجم پول کنترل شود، می توان به تورم پایین دست

1. Breton Woods

یافت. بر همین مبنای است که پس از دهه ۱۹۹۰ کارآیی سیاست‌های پولی را همسو با استقلال بیشتر بانک‌های مرکزی از مقامات مالی ارزیابی می‌کنند.^۱

در ایران شورای پول و اعتبار که در حقیقت مشابه کمیته سیاست‌های پولی در دیگر بانک‌های مرکزی می‌باشد، به عنوان یک نماد سیاست‌گذاری پولی در ایران ساختار کاملاً دولتی دارد. هر چند در ابتدای تشکیل بانک مرکزی ریاست شورای پول و اعتبار با رئیس بانک مرکزی بود ولی در برنامه سوم اختیار آن به وزیر امور اقتصادی و دارایی محول گردید و مجدداً در برنامه چهارم تغییر یافت و رئیس کل بانک مرکزی مسئولیت اداره آن را به عهده گرفت. ترکیب شورای پول و اعتبار متشکل از پنج وزیر، دو کارشناس اقتصادی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری و دادستان کل کشور یا نماینده آن و رؤسای اتاق‌های بازارگانی و صنایع و معادن و اتاق تعاون می‌باشد. دو نماینده مجلس هم به عنوان ناظر در جلسات شرکت دارند و جمعاً یازده نفر می‌باشند. با حضور پنج وزیر منتخب دولت و دو نفر کارشناس مورد تأیید دولت و رئیس اتاق تعاون عملاً اکثریت اعضای شورا، دولتی می‌باشند. همچنانیم به طور ضمنی کلیه تصمیمات شورای پول و اعتبار نیاز به تأیید رئیس جمهور دارد و نمی‌تواند تصمیماتی بر خلاف نظر دولت بگیرد، لذا شورای پول و اعتبار کاملاً هماهنگ با دولت حرکت می‌کند. این شرایط (چه از نظر ساختاری و چه از نظر عملکرد اقتصادی) مصدقای از عدم استقلال بانک مرکزی در یک اقتصاد می‌باشد.

نکته‌ای که در این رابطه می‌باشد مورد توجه قرار گیرد آن است که علی‌رغم پاره‌ای محدودیتها از نظر استفاده از ابزارهای سیاست‌پولی از نظر ملاحظات اسلامی، بانک مرکزی در ایران با مشکل اساسی در زمینه تنوع ابزارهای سیاست‌پولی مواجه نمی‌باشد بگونه‌ای که بنظر می‌رسد عمدۀ مشکلات را می‌باشد در سیاستها و عملکردهای بانک مرکزی جستجو نمود که وابستگی آن به نظام اجرایی کشور می‌تواند در این رابطه نقش بسزایی داشته باشد. در جدول زیر خلاصه‌ای از ابزارهای سیاست‌پولی در کشورهای اسلامی (از جمله ایران) گردآوری شده است.

۱. لازم بذکر است کماکان در این رابطه موافقان و مخالفان وجود دارند. مثلاً همزمان که هواداران استقلال بانک مرکزی استدلال می‌نمایند که تبعیت سازمانی بانک مرکزی از مقامی خارج از بانک، عامل اختلال در عملکرد صحیح آن است. مخالفان استقلال بانک مرکزی مدعی‌اند که اگر در یک نظام سازمان‌های مختلف اقتصادی به گونه‌ای مستقل عمل کنند، آنگاه هر یک از این سازمان‌ها صرفاً منافع خود را در نظر می‌گیرند، نه منافع کل نظام را، به عبارت دیگر مجموع اقتصاد کشور از استقلال بانک مرکزی بهره نمی‌برد و استقلال لزوماً نتیجه بهتری نخواهد داشت. حتی اگر فرض شود که سیاست‌پولی مستقل از سیاست‌های مالی عملکرد بهتری دارد، دلیلی بر آن نیست که استقلال بانک مرکزی همواره برای مجموعه اقتصاد کشور بهینه باشد. لازم بذکر است که دیدگاه سومی نیز وجود دارد که رویکرد آن متفاوت از دو دیدگاه نخست است. در این دیدگاه، به جای تاکید بر استقلال بانک مرکزی به اصطلاح ساختار اقتصاد توجه می‌شود.

جدول ۱. ابزارهای سیاست پولی در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	ابزارهای سیاست پولی
ایران	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، تعیین سقف اعتبارات، اوراق مشارکت بانک مرکزی، سپرده ویژه بانکها نزد بانک مرکزی
پاکستان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، تعیین نسبت نقدینگی قانونی، تعیین سقف اعتبارات، حذف سقف نرخ انواع وامهای بانکی، تعیین درصد دارایی‌های بانک‌های تجاری که باید به صورت اسناد نقد باشند
سودان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین نسبت نقدینگی قانونی، تعیین سقف اعتبارات
امارات متحده عربی	نسبت ذخیره قانونی، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا
بحرین	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز
مالزی	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، تعیین نرخ تنزیل مجدد
عربستان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، تعیین سقف مجموع تسهیلات اعطایی به هر شخص حقیقی و حقوقی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید معکوس
ترکیه	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی
قطر	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، نرخ سود موافقت نامه بازخرید، میخکوب کردن پولی ملی به دلار امریکا، نرخ سود وام یک‌شیوه بین بانکی، نرخ سود بین بانکی
لبنان	نسبت ذخیره قانونی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز
عمان	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، تعیین سقف نرخ تنزیل مجدد، نرخ سود موافقت نامه بازخرید
یمن	نسبت ذخیره قانونی، تعیین نرخ سود بانکی، عملیات بازار باز با استفاده از اوراق قرضه دولتی، تعیین سقف نرخ تنزیل، خرید و فروش انواع ارز به منظور حفظ ثبات نرخ ارز، انتشار گواهی سپرده

منبع: www.bis.org

۵- تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدون شک یکی از مهمترین ابزارهای سیاستگذاری کلان اقتصادی سیاستهای پولی می‌باشند. این سیاستها یا تغییر در جریان عرضه (و تقاضا) پول باعث ایجاد تغییراتی در اقتصاد می‌گردند. یکی از مهمترین تبعات (نامطلوب) سیاستهای پولی پدیده تورم (کاهش ارزش پولی ملی) می‌باشد. مقوله تورم با توجه به موضوع مقاله حاضر از دو جنبه حایز اهمیت می‌باشد. ابتدا خسارati است که از محل کاهش ارزش داراییهای پولی یا کاهش قدرت خرید پول به مردم تحمیل می‌شود. که تقریباً بدیهی بوده و مورد وفاق همگان می‌باشد. جنبه دیگر علل و متولیان این پدیده می‌باشند. در مبانی نظری در زمینه بروز تورم علل مختلفی همچون فشار تقاضا، شوکهای طرف عرضه و ... مطرح شده است که می‌توان در هر مورد چرایی بروز آن علت را دنبال نمود. مثلاً در شوکهای طرف عرضه که منجر به کاهش عرضه محصول می‌شود می‌توان به بروز حوادث طبیعی، رکود در بخش‌های اقتصادی، اختلال در عرضه برخی نهادهای تولید و ... اشاره نمود. از سوی دیگر چنانچه بروز تورم از طرف تقاضا ناشی شود می‌توان به علی چون رفتاوهای سفتة بازانه، افزایش تقاضای ناشی از خلق پول یا اعتبارات و ... اشاره نمود. به همین دلیل در محاسبه میزان تورم از طریق شاخصهای مربوطه پیوسته به این موضوعات توجه می‌شود و در کنار محاسبه شاخص تورم تو سط نهادهای آماری مسئول، تلاش می‌گردد در قالب فعالیتهای پژوهشی شاخصی تحت عنوان تورم هسته (نقل تورم)^۱ نیز محاسبه گردد. این شاخص که به آن "اینرسی تورم" نیز اطلاق می‌شود با خارج کردن تغییرات قیمت کالاهای پر نوسان و ادواری از شاخص اصلی تورم به محاسبه آن بخش از تورم می‌پردازد که منبعث از تغییرات مقطوعی نبوده و ریشه در بنیانهای اقتصادی و جریان کلان سیاستگذاری پولی در اقتصاد دارد. بعبارت دیگر با استفاده از تورم هسته آن بخش از تورم که ماهیتی با ثبات، ساختاری و مزمن دارد از سطح عمومی قیمتها بیرون کشیده می‌شود.^۲

بنظر می‌رسد چنانچه بخشی از خسارت تورم به مالیت پول را حاصل از آن بخش از تورم بدانیم که ناشی از تغییرات و نوسانات مقطوعی و موسمی تورم می‌باشد، که بفرض خارج از اختیارات مستقیم مقامات پولی است، می‌توان جهت ارزیابی خسارت واردہ به شهروندان از محل سیاستهای پولی حاکمیت، از منظر "نقص در مال" از تورم هسته بهره جست. چرا که این شاخص اساساً آن بخش از تورم که ماهیتی بلند مدت و ساختاری دارد را محاسبه می‌نماید که تقریباً ریشه در سیاستهای کلان اقتصادی و

1. Core Inflation

۲. لازم به ذکر است همیشه نمی‌توان انتظار داشت که مقدار تورم هسته از مقدار کل تورم کمتر باشد چرا که مثلاً در برخی زمانها بدلیل رکودهای بخشی، سطح قیمتها در بخشی از اقتصاد شدیداً کاهش یافته و باعث کاهش شاخص تورم ملی شود. لذا می‌توان حالتی را تصور نمود که مقدار محاسبه شده برای تورم هسته بیشتر از سطح تورم موجود در اقتصاد باشد.

عمدتاً در حوزه پول دارد که متولی مستقیم آن بانک مرکزی باشد. لازم به ذکر است این ادعا بدان معنا نیست که کل مقدار محسوب شده بعنوان تورم هسته می باشد ناشی از عملکرد ناکارای سیاستهای پولی دولت دانسته شده و دولت متعهد به جبران آن شناخته شود. چرا که اساساً در برخی شرایط اقتصادی مثلثاً در قالب نظریه منحنی فیلیپس تورم تا حدودی قابل دفاع نیز می باشد. لذا در بهره گیری از شاخص تورم هسته پیوسته می باشد به ملاحظاتی از این دست توجه نمود.

حال چنانچه بپذیریم در بخشی از تورم که باعث کاهش قدرت خرید پول از جنبه نقص در مال می شود، حکومت اسلامی ضامن باشد (هرچند که در برخی شرایط با سیاستهایی چون شاخص گزاری^۱ سعی در جبران آن دارد) مقتضی است با افزایش استقلال بانک مرکزی به سطحی مطلوب (بگونه ای که بتواند فارغ از مداخلات دولت به سیاستگذاری بپردازد) این نارسانی را حداقل نمود. بویژه در اقتصادی همچون اقتصاد ایران که طی دهه های اخیر از یک تورم دو رقمی ساختاری رنج می برد و این پدیده علی رغم تلاش های دولت برای جبران قدرت خرید مردم (کارمندان)، می توانسته خسارتهایی را بصورت سالانه به دارائیها و درآمدهای پولی مردم از منظر نقص در مال وارد نماید. لذا جهت به حداقل رسانی این پدیده بنظر می توان افزایش استقلال بانک مرکزی را حتی از نظر ملاحظات اسلامی نیز یک ضرورت بحساب آورد.

بحث فوق جدای از خاطرنشان کردن ضرورت توجه به استقلال بانک مرکزی موضوع دیگری را نیز خاطرنشان می سازد و آن وظایف متقابل حکومت اسلامی نسبت به شهروندان در حوزه اقتصاد می باشد. بدین معنا که معمولاً در متون اقتصاد اسلامی بیشتر به وظایف شهروندان در جامعه اسلامی پرداخته می شود و در حوزه کلان نیز معمولاً وظایف حکومت اسلامی در زمینه هایی چون برقراری امنیت، پرداختن به مقوله عدالت و رفاه و ... مورد تاکید قرار می گیرد. حال آنکه چنانچه این موضوع به دقت مورد برجرسی قرار گیرد مشاهده می شود که بسیاری از سیاستهای اجرایی و عملکردی دولتها در زمینه های اقتصادی نیز می تواند برای آنها مسئولیت آور باشد و این چیزی است که کمتر مورد توجه قرار می گیرد. به عنوان مثال هنگامی که احتکار و سفتة بازی توسط افراد و بنگاه بعنوان یک پدیده مذموم شناخته می شود و حکومت اسلامی مجاز به برخورد و مبارزه با آن شده است. چرا که با افزایش قیمت موجب اختلال در بازار می شود. در طرف مقابل رفتارهای غیر اصولی دولتها نیز در این حوزه می تواند مشمول این رویه باشد که بصورت نمونه در مقاله حاضر به بحث تورم ناشی از سیاستهای پولی ناکارا اشاره شد که باعث نقص در مال شهروندان می شود. این موضوع بدون شک می تواند یکی از زمینه های التزام حکومت ها نسبت به حقوق شهروندان از منظر ملاحظات اخلاقی اقتصاد اسلامی بحساب آید.

1. Indexation

منابع و مأخذ

- تونچیان، ایرج، (۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، چاپ اول.
- تونچیان، ایرج، (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری؛ تهران: نشر توانگران، ص ۹۲ و ۸۸ و ۱۰۲.
- تسلی، محمد اسماعیل، (۱۳۸۴)، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه وران اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- تسلی، محمد اسماعیل، محدودیت‌ها و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۳.
- دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور، (۱۳۸۲)، مبانی و اصول علم اقتصاد، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ص ۳۱۱.
- داودی، پرویز و حسین صمامی، (۱۳۸۷)، اقتصاد پول و بانکداری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۳ و ۲۱.
- پرویز داودی، حسن آقانظری، سید حسن میرجلیلی، (۱۳۷۴)، پول در اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلای اصفهانی، رحیم راهکارهای دستیابی به جامعه بدون ربا، مجموعه مقالات ارایه شده در چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۶)، اقتصاد اسلامی از نظریه تا عمل، همشهری آنلاین.
- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۷)، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ص ۴۴، ۲۹.
- عیوضلو، حسین، (۱۳۸۷)، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹۵.
- عیوضلو، حسین، (۱۳۹۳)، بانکداری اسلامی بر بستر علم اقتصاد متعارف قرار نمی‌گیرد.
- عیوضلو، حسین، می‌سمی، حسین، (۱۳۹۰)، نقش نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات مالی در سطح کلان، ویژه نامه بانکداری اسلامی.
- فردریک اس. می‌شکین، (۱۳۸۸)، اقتصاد پول، بانکداری و بازارهای مالی، جلد اول، ترجمه قضاوی، حسین، چاپ اول، تهران، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی ج.ا. ایران.
- قضاوی، حسین، (۱۳۹۰). چارچوب سیاست پولی در سال ۱۳۹۰. فصلنامه تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، شماره ۱۳۱.
- قلی بگلو، محمد رضا، (۱۳۹۰)، بررسی اثربخشی سیاست پولی نسبت ذخیره قانونی و ارزیابی

اثرات ترازنامه‌ای آن در شبکه بانکی کشور فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۵۹، صفحات ۹۴-۵۹.

مجتبهد، احمد، (۱۳۸۹)، بررسی شفافیت، مسئولیت پذیری و اطلاع رسانی بانک مرکزی ایران، فصلنامه پول و اقتصاد، سال دوم، شماره ۳.

مجتبهد، احمد و حسن زاده، علی (۱۳۹۱)، پول، بانکداری و نهادهای مالی، تهران: جنگل، پژوهشکده پولی و بانکی- بانک مرکزی ج.ا. ایران.

موسویان، سیدعباس، (۱۳۸۰)، بانکداری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی.

مومنی، فرشاد، حری، حمید رضا، (۱۳۸۸)، بانکداری مرکزی در نظام بانکداری اسلامی بدون ربا: شناسایی و ارزیابی ابزارهای پولی کارآمد، پژوهشنامه اقتصادی ویژه نامه بانک، شماره ششم.

www.bis.org